

بررسی تطبیقی درونمایه‌های مشترک پروین اعتصامی و آندره ژید

فرشته السادات حسینی

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی (گرایش غنایی)، از دانشگاه اصفهان، مدرس دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره) قزوین

نویسنده مسئول: golafshan85@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۸

چکیده

ادبیات تطبیقی شاخه‌ای از نقد ادبیست که به مطالعه ادبیات و دیگر نمودهای فرهنگی بین مرزهای زبانی و ادبی و بررسی شباهت‌ها و تفاوت‌های میان آن‌ها می‌پردازد و فراتر از مرزهای سیاسی و فرهنگی افق‌های جدید فکری را به روی ملت‌ها می‌گشاید. پس از شکل‌گیری مکتب رمانتیسم در فرانسه و گسترش ارتباط شاعران و نویسندگان فرانسوی با ادبیات شرق، افق‌های مشترک بسیاری در اندیشه و کلام شاعران ایران و فرانسه پدیدار گردید. پروین و آندره ژید از ادیبان بزرگ ایران و فرانسه هستند که نگاه به درون‌مایه‌های مشترک در سخن ایشان، این نتیجه کلی را بدست می‌دهد که با وجود کیلومترها فاصله میان آن‌ها تا چه اندازه در اندیشه، سبک بیان، مضمون و محتوای آثارشان می‌تواند یکسانی وجود داشته باشد. آنان پیش و بیش از آن که سخنوری توانا باشند، معلم اخلاق هستند که نمونه‌های عالی اخلاق، زندگی و جامعه بشری را در جنبه‌های مختلف انسانی می‌جویند در این پژوهش سعی شده است با ذکر شواهد متعدد از کتاب مائده‌های زمینی آندره ژید و دیوان پروین اعتصامی، به بررسی تطبیقی کلام و اندیشه این دو هنرمند پرداخته شود.

کلیدواژه: ادبیات تطبیقی، آندره ژید، پروین اعتصامی، دیوان شعر، مائده‌های زمینی.

۱. مقدمه

یکی از نتایج تحول در پژوهش‌های ادبی در دوران معاصر، ادبیات تطبیقی در شکل کنونی آن است. «ادب تطبیقی در واقع عبارت است از تحقیق در باب روابط و مناسبات بین ادبیات ملل و اقوام مختلف جهان. پژوهنده‌ای که به تحقیق در این رشته اشتغال دارد مثل آن است که در سر حد قلمرو زبان قومی به کمین می‌نشیند تا تمام مبادلات و معاملات فکری و ادبی را که از سرحد بین آن قوم و اقوام دور و نزدیک دیگر روی می‌دهد تحت نظارت و مراقبت خویش بگیرد و پیداست که حاصل تحقیق او با میزان دقت و مراقبتی که در این تحقیق به کار بندد مناسب خواهد بود» (زرین کوب، ۱۳۶۹: ۱۲۵). اغلب بر این باورند که هدف ادبیات تطبیقی مقایسه یا سنجش دو یا چند اثر ادبی از فرهنگ‌های مختلف است، در حالی که این لفظ فقط ناظر بر روشی است که در مطالعات ادبی به طور کلی به کار می‌رود و خاص این رشته نیست. ادبیات تطبیقی نگرش و نظریه جدیدی در مطالعات ادبی، یا به زعم برخی از متفکران رویکرد جدیدی در نقد ادبی است و تطبیق، صرفاً وسیله‌ای است برای رسیدن به هدفی والاتر. ادبیات تطبیقی فراتر از مرزهای سیاسی و فرهنگی است که افق‌های جدید فکری را به روی ملت‌ها می‌گشاید و در صدد مقایسه میان فرهنگ‌های مختلف برمی‌آید. از مباحث مهم در ادبیات تطبیقی مکاتب ادبیست. «شکوفایی مکاتب ادبی در ادبیات مغرب زمین از دوره رنسانس اروپا و استقرار کلاسیک و حاکمیت اصول هنری و فکری آغاز شد» (نجفی، ۱۳۵۱: ۴۲۶). مکتب فرانسه و مکتب آمریکا دو مکتب بنیادین ادبیات تطبیقی است. دکتر جواد حدیدی منشأ رشد و نمو ادبیات تطبیقی را فرانسه می‌داند و بر این عقیده است که «پژوهشگران فرانسوی نخستین کسانی بودند که این شیوه نوین را در تحقیقات ادبی رواج دادند. در سال ۱۸۲۸ ویلمن، یکی از استادان سرب در درس تاریخ ادبیات گاه از تأثیر متقابل ادبیات انگلیسی و ایتالیایی و فرانسوی در یکدیگر سخن می‌گفت و دانشجویان را به سنجش ادبیات ملت‌های اروپایی برمی‌انگیخت جلد چهارم مجموعه سخنرانی‌های او در سال ۱۸۳۸ انتشار یافت و در این مجلد بود که ویلمن اصطلاح (literature compare) [ادبیات تطبیقی] را برای نخستین بار به کار برد» (حدیدی، ۱۳۷۳: پیشگفتار). بر اساس این مکتب لازمه سنجش ادبیات ملت‌های مختلف داشتن رابطه تاریخی است و بر این باور است که هیچ تأثیر و تأثری بدون ارتباط تاریخی صورت نمی‌پذیرد و نیز زبان حوزه‌های مورد تطبیق باید مختلف باشد و در صورت هم‌زبان بودن از نظر این مکتب ادبیات تطبیقی کاربرد ندارد. در حالی که، مکتب آمریکایی در این حوزه دارای وسعت بینش وسیع‌تریست. آنچه به عنوان مبانی نظری در این مکتب دارای اصالت است، تشابه و همانندی است. در بررسی تطبیقی دو اثر به میزان ادبیت آن توجه دارد نه روابط تاریخی. «نزد محققان این فن، ادبیات تطبیقی دربرگیرنده تمام پژوهش‌های تطبیقی بین ادبیات مختلف یا بین ادبیات و سایر هنرها به طور خاص بوده و بین آن‌ها و دیگر معارف بشری به طور عام انجام می‌پذیرد» (سیدی، ۱۳۸۲: ۱۴). دانش ادبیات تطبیقی در ایران هم‌زمان با تأسیس کرسی ادبیات تطبیقی در دانشگاه تهران، توسط دکتر فاطمه سیاح پا به محافل ادبی گذاشت. پس از او پژوهشگرانی چون: جواد حدیدی، ابوالحسن نجفی، عبدالحسین زرین کوب، محمداسلامی ندوشن، خسرو فرشیدورد و حسن هنرمندی در آثار و تألیفات خود اشاراتی به ادبیات تطبیقی دارند.

۲. بحث و بررسی

تأثیر ادبیات ایران بر ادب فرانسه

در قرن هفدهم سبک مورد پسند محافل ادبی و هنری فرانسه، کلاسیسیسم بود. این مکتب تابع عقل و منطق بود. نویسندگان بزرگ قرن هفدهم و هجدهم فرانسه هرگز عقل را تابع احساسات و تخیلات خود نمی‌کردند. برخی این سبک را ادبیات اشرافی خواندند. اما این مکتب ادبی در قرن نوزدهم جای خود را به مکتب رمانتیک که در نظم و نثر بر افکار و احساسات و عقاید خود متکی شد، داد. رمانتیسیسم بر آن دسته از آثار ادبی اطلاق می‌شد که زبان تغزل بر آن حکمفرما باشد. این مکتب جدید فرانسه پیوند نزدیکی با ادبیات ایران داشت. ادبیاتی که متکی بر روح آرام و قریحه و احساس ایرانی است. آشنایی فرانسوی‌ها با فرهنگ اسلام و ادبیات ایران، ترجمه آثار ایرانی به فرانسه و انتشار سفرنامه‌های متعدد فرانسویان در ایران، سبب شد تا هنرمندان و ادیبان فرانسه در خلق آثار هنری و ادبی خود از منابع سرشار شرقی به خصوص ایرانی سود جسته و به بحث درباره آن بپردازند. اولین بار در روم مدرسه‌ای برای فراگیری زبان‌های شرقی تأسیس شد و به ترجمه و چاپ کتاب‌های فارسی و شرقی پرداخت و بعد از آن فرانسویان این کار را دنبال کردند و لوئی چهارم نخستین کسی بود که در پاریس مدرسه‌ای تأسیس کرد که تمام زبان‌های شرقی در آن تدریس می‌شد. «نخستین کتابی که در زمینه آشنایی فرانسویان با شرقیان به طور کلی نوشته شده، خاور زمین در ادبیات فرانسه قرون هفدهم و هجدهم نام دارد» (حدیدی، ۱۳۷۳: ۶). و اولین اثر ایرانی که به فرانسه ترجمه شد و تأثیر بسیاری بر شاعران و نویسندگان آن گذاشت، گلستان سعدی بود.

روابط ادبی

گسترده‌ترین حوزه پژوهش در ادب تطبیقی تأثیرات و شباهت‌های آثار ادبی است. در حوزه تأثیرات ادبی می‌توان از تأثیر یک یا چند نویسنده بر نویسنده دیگر از فرهنگی متفاوت یاد کرد. مانند تأثیر سعدی بر گوته شاعر آلمانی، دانته شاعر ایتالیایی و یا تأثیر حافظ و خیام بر نویسندگان جهان و یا تأثیر نویسندگان جهان بر نویسندگان معاصر چون: نیما، شاملو، هدایت و دیگران. و تصویر ملیت‌ها، جنسیت‌ها و مذاهب در ادبیات سایرمل می‌تواند محور این حوزه از پژوهش ادبی قرار گیرد. که این تأثیرات ممکن است مستقیم و یا غیرمستقیم صورت پذیرد (انوشیروانی، ۱۳۸۹: ۱۸). اما حوزه گسترده دیگری که به ادب تطبیقی مرتبط می‌شود، بحث شباهت‌های آثار ادبیست. گاه بین دو یا چند اثر ادبی، شباهت‌هایی دیده می‌شود که می‌توان آن را حاصل یکسانی موضوع و یا تجربه‌های زیستی مشترک آفرینندگان آن دانست. مشابهت‌هایی که سبب می‌شود در سبک بیان، محتوا و درونمایه و مضامین، یکسانی‌های شگفت‌آوری ایجاد شود. تأثیر محیط و روان بر هنر و اندیشه هنرمندان باورپذیر است. چنین باورپذیر است که سبب می‌شود دو ادیب بزرگ آندره ژید و پروین، که هزاران کیلومتر دور از هم و در شرایط مذهبی و فرهنگی متفاوت زندگی می‌کنند، آثاری با مضامین و درونمایه‌های مشابه خلق کنند. در این مقاله پس از نگاهی اجمالی به زندگی و اندیشه این دو هنرمند، به بررسی و تحلیل تجربه‌های فکری مشترک آنان خواهیم پرداخت.

آندره ژید و پروین اعتصامی

بل‌گیوم آندره ژید نویسنده نامدار فرانسوی در سال ۱۸۶۹ در پاریس به دنیا آمد. پدرش استاد حقوق و مادرش دختر یکی از بورژواهای ثروتمند نرمانی بود. او در خانواده‌ای تربیت شد که پدر پروتستان و مادر کاتولیک و سخت پایبند به سنت‌های مذهبی بودند. «اختلاف عقیده مذهبی این پدر و مادر در دوران کودکی و نوجوانی و تربیت خانوادگی و پرورش مذهبی ژید تأثیر ژرفی بخشید، به طوری که می‌توان اصل و منشأ شکاکیت و بدبینی ژید را در تربیت اولیه او جستجو کرد» (آندره ژید، ۱۳۸۳: ۶). به دلیل بیماری در کودکی از رفتن به مدرسه محروم گردید؛ اما داشتن خانواده‌ای اهل فرهنگ توانست این کمبود را برایش جبران کند. به واسطه گرفتاری‌هایی که پدرش داشت، تربیت و پرورش او بیش‌تر بر عهده مادرش بود. مادرش که زنی سخت‌گیر، متعصب و همدوست بود. با وجود تربیت سخت‌گیرانه مادر و ترس ژید از او، «فوق‌العاده نسبت به او قائل به احترام و ادب بود؛ زیرا به خوبی درک کرده بود که مادرش جز خیر و صلاح او را نمی‌خواهد و به حکم تقوا، دینداری و صفات عالی‌طبعی همواره در فکر انجام وظیفه مادری بود» (آندره ژید، ۴۲۶). چنین فضای تربیتی در دوران جوانی او را در کشمکش بین دو نیروی متضاد قرار داد؛ از یک سو غرائز و امیال جسمانی که او را به سوی هوس‌ها می‌کشاند و از دیگر سو احساسات شدید مذهبی که مانعی بر سر راه رسیدن او به این هوس‌ها بود، ازین جهت با توجه به نبوغ ادبی و استعداد طبیعی که داشت، بر آن شد تا شرح این ماجرا را در کتابی منعکس کند. از این رو دفترچه‌های آندره والتر را در دو بخش دفترچه سفید و دفترچه سیاه در شرح آلام و رنج‌هایی که در زندگی متحمل آن شده بود، نوشت. انتشار این اثر پای او را به محافل ادبی پاریس باز می‌کند و با مالارمه و آسکاروایدل و موریس باس آشنا می‌شود. تحت همین دوستی به حزب کمونیستی گرایش پیدا می‌کند و به شوروی می‌رود؛ اما طولی نمی‌کشد که از حزب کناره می‌گیرد و به فرانسه باز می‌گردد. او نویسنده‌ای بود که می‌خواست آثارش را با زبانی تهذیب یافته بیان کند، از آن‌جا که از رفاه مالی و پشتیبانی نویسندگان و شاعران پل والری و پی‌یرلویس بهره‌مند بود، توانست با آرامش خاطر به نوشتن بپردازد و آثار بسیاری را در کارنامه ادبی خود ثبت کند. ژید سرانجام در سال ۱۹۵۱ این جهان را ترک گفت. ژید در سال ۱۸۹۳ دچار بیماری سختی شد؛ اما پس از بهبودی کامل و بازگشت از آیین پروتستان شروع به نوشتن آثاری کرد که از تجربیات تازه او سرچشمه

می‌گرفت. از میان این آثار مائده‌های زمینی است که «اگر کتاب یک بیمار نباشد دست کم کتاب بیماری است در حال بهبود یا شفا یافته» (آندره ژید، ۱۳۵۰: ۶۳). و بیانگر اندیشه فردی که دوره نقاهت را می‌گذراند. مائده‌ها اثر شاعرانه‌ایست که «پیامی را در بردارد و آن را غالباً بسیار محدود تفسیر کرده‌اند» (آندره ژید، ۱۳۵۰: ۶۰). ژید در این کتاب به مخالفت با آیین پروتستان می‌پردازد و آیین اخلاقی تازه‌ای برای خود انتخاب می‌کند. هر برگ از کتاب او سرشارست از شور زندگی و تعلیم و ارستگی و ستایش عاشقانه زیبایی‌های جهان هستی. حیات معنوی و جلوه‌های تعلیمی در کلام ژید کتاب او را در گروه کتاب‌های درسی فرانسه قرار داد. ژید با قرآن و ادبیات ایران آشنا بود و آیه‌ای از قرآن کریم را در صدر کتاب خود قرار داده و نام اثر خود را از سوره مائده گرفته است. «غالباً مائده‌های زمینی را سرودی در ستایش لذت طلبی دانسته‌اند» (دیهیمی، ۱۳۷۳: ۶۴). اما در حقیقت صدای اندرزدهنده‌ایست که تلاشش رساندن انسان به تعادل میان لذات مادی و معنویست و نشان دادن آیین اخلاقی که تمام مسئولیت را بر عهده انسان می‌گذارد. با مطالعه اشعار پروین می‌توان به مشابهت‌هایی در زندگی و اندیشه او با ژید دست یافت. حضور در خانواده اهل فضل و فرهنگ موجب شد که پروین از کودکی به دنیای علم و ادب قدم گذارد. «محافل ادبی یوسف اعتصامی پدر پروین که ادیب و نویسنده و مترجمی چیره‌دست بودو پروین از نخستین سال‌های کودکی در آن حضور داشت و درک محضر دانشمندانی نظیر ملک‌الشعرا بهار، محمدقزوینی، دهخدا و دیگران موجبات تعلیم و تربیت او را از هر حیث فراهم آورد» (طباطبایی اردکانی، ۱۳۷۶: ۱۶). شعر پروین هم‌چون ژید، جنبه شخصی و فردی ندارد، او شاعر متعهدیست که «در دل رازهای طبیعت، به هدف اصلی خویش که بیان سجایای اخلاقی و کرامت و فضیلت انسانی است گریز می‌زند و تمام نیروی خود را در آفرینش نقش‌های گوناگون در صحنه زندگی به کار می‌برد تا به خوانندگان خود شیوه زیستن را بیاموزد و درس زندگانی دهد» (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۳۵). او معترض زمانه‌ای است که در آن زندگی می‌کند و نابسامانی‌های جامعه او را به اندیشه وای می‌دارد تا در جست‌وجوی راهی برای نجات آن برآید. «از میان اشعار وی بسیاری از آن‌ها دارای مضامین پرمحتوای اخلاقی است، چنان‌که در میان بسیاری از آن‌ها اصولی‌ترین و مهم‌ترین مسائل اعتقادی و اخلاقی را می‌توان مشاهده نمود» (احمدی، ۱۳۸۸: ۴۳). همین امر سبب شده است اشعار او را در کتاب‌های درسی قرار دهند. آن‌چه در طرز تفکر و رویه زندگی و کلام پروین واضح است، انس با مفاهیم قرآنی و کلام معصومین است که «با زیبایی تمام عیار و مهم‌تر از همه با زبان مردم که برای همگان قابل فهم است بیان نموده» (اکبری، ۱۳۹۲: ۱۰۶-۱۰۵). در اندیشه هر دو هنرمند، انسان بزرگ‌ترین تأثیرگذار بر عالم هستی است و اوست که مسئول تمام رفتارهای خوب و بد خویش است. و وجود ناهماهنگی‌ها در نظام هستی را چهره طبیعی هستی می‌داند و معتقدند ایرادی که هست بر انسان است که با نگاه سطحی خود نمی‌تواند وجود خاکی و هستی روحانی خود یعنی دو قطب متضاد در وجود خویش را درست درک کند.

بررسی تطبیقی اندیشه و کلام آندره ژید و پروین اعتصامی

در بررسی تطبیقی اثر دو هنرمند باید سبک بیان، باورها، احساسات و انفعالات درونی او مورد توجه قرار گیرد. آنچه ما را به دنیای درون هنرمند و ژرفای اندیشه او نزدیک می‌سازد، نشانه‌هایی است که در اثر او متجلی است؛ چراکه «مبدأ طبیعی و عاقلانه در تحقیق ادبی تعبیر و تحلیل خود آثار ادبی است؛ زیرا در نهایت امر، خود آثار هستند که علاقه ما را به زندگی نویسنده، محیط اجتماعی او، و کل فرایند ادبیات توجیه می‌کنند» (موحد، مهاجر، ۱۳۸۲: ۱۵۳). اصولاً این امر درباره شاعران و هنرمندان درونگرا با ژرف‌اندیشی و دقت بیش‌تری همراه است و رسیدن به دنیای ذهن ایشان دشوارتر و دیرپاب‌تر است. دو هنرمند مورد نظر ما نیز در گروه هنرمندان درونگرایی هستند که شخصیت هنری و جهان زندگی روزمره‌شان در پس آیین آثارشان نمودار است. نکته اصلی در اندیشه این دو ادیب، التزام اخلاقی و حیات معنوی است. و براین اعتقادند که بعد از خداوند بزرگ‌ترین تأثیرگذار در جهان هستی انسان است. ژید آیین اخلاقی تازه‌ای را برمی‌گزیند که انسان و جهان انسانی را دگرگون می‌سازد و «یک جهان دیگر را به ما می‌نماید: همین جهانی که ما مایوسانه و ناامیدانه در آن زندگی می‌کنیم و نمی‌دانیم که پر از امید و شادیست» (شهباز، ۱۳۹۲: ۳۶۶). و طرفدار آزادی اندیشه است، آزادی‌ای که «همه مسئولیت‌ها را بجای کتاب و مذهب و خانواده متوجه خود انسان می‌کند و بار سنگین سرنوشت را بر دوش آدمی می‌گذارد» (آندره ژید، ۱۳۵۰: ۵۳). - تنها جهان نیست که باید تغییر یابد بلکه انسان نیز باید تغییر یابد. این انسان نو از کجا قد خواهد برافراشت؟ نه از بیرون رفیق بکوش که او را در خود بیایی. (همان: ۳۳۷).

و این است اصل اخلاقی ژید «یعنی اصل اخلاقی شخصیت فردی را که از خود شخص سرچشمه می‌گیرد و در خود شخص باید پرورش یابد بر همه چیز مقدم می‌داند» (آندره ژید، ۱۳۸۳: ۸).

از سویی دیگر، اندیشه اخلاقی‌گرای پروین به دنبال ساختن جامعه ایده‌آل و مدینه فاضله است؛ اما او قصد ندارد مدینه فاضله خود را با در هم ریختن جهان کنونی بسازد، بلکه با زبانی منطقی و پندآمیز به دنبال تعدیل اخلاق اجتماع است. «واقعیت این است که انسان تا عظمت خود را دریابد، نمی‌تواند کوچک ترین گامی در راه لوازم انسانیت خویش بردارد. انسانیت و حرکت در مسیر تعالی، از خودآگاهی و دریافت‌هایی آغاز می‌شود که در نهایت خود به خداآگاهی ختم می‌شود» (فیضی، ۱۳۸۳: ۳۸۰).

چگونه بر من و تو رام گردد / چو رام کس نگشت این چرخ توسن

و عزلت و گوشه‌نشینی و بریدن از مردم را نفی می‌کند؛ چرا که انسان مسئول زندگی خود است و باید برای تغییر آن تلاش کند.
نوبت از خلق گسستن نبود / گاه در صومعه بستن نبود

(همان: ۴۳۱)

تو مردمی و دولت مردم، فضیلت است / تنها وظیفه تو همی نیست خورد و خاست
خوشرشوی به فضل ز لعلی که در زمی است / برتر پری به علم ز مرغی که در هواست
جان را بلنددار که این است برتری / پستی نه از زمین و بلندی نه از سماست

(همان: ۵۸-۵۷)

تأثیر پذیری از ادب فارسی

یکی از برجسته‌ترین عناصری که آندره ژید و پروین را به هم نزدیک می‌کند، تأثیر شعر قدماست. ژید از دوستان ادب فارسی بود. تأثیرپذیری او از شاعران بزرگ فارسی چون: سعدی، حافظ، خیام و فردوسی در نوشته‌هایش کاملاً آشکار است. حتی می‌توان به جرأت گفت هر اندازه آگاهی از ادبیات فارسی بیش تر باشد، اندیشه ژید را بهتر می‌توان درک کرد. «ژید در یک دوره ده‌ساله (سال‌های حساس بیست تا سی سالگی)، بشدت از ادبیات فارسی الهام و تأثیر پذیرفته است و کتاب‌های سفر اوری‌ین، مانده‌ها و نیز الحاح و ضداخلاق از رنگ تند اندیشه و شعر ایرانی با خود نشانه‌ها دارد» (آندره ژید، ۱۳۵۰: ۵۱). عشق و علاقه او به ادبیات فارسی به اندازه‌ایست که خودش می‌گوید: «من به نوبه خود با سعدی و فردوسی و خیام و حافظ تنگاتنگ زیسته‌ام... و با آنان در وحدت کامل به سر برده‌ام و عمیقاً تحت تأثیر اندیشه‌هایشان قرار گرفته‌ام. اینان شاعرانی هستند که از سرچشمه شعر سیر نوشیده‌اند و من نیز همراه آنان به این چشمه راه یافته‌ام» (حدیدی، ۱۳۷۳: ۳۴۹). نمونه‌هایی از این تأثیرات را اشاره می‌کنیم:

- برخی هستند که وجود خداوند را از راه احساس عشق انسان به او اثبات می‌کنند، برای همین است ناتانائل که من هر چه را دوست میدارم خدا نامیده ام و از همین رو خواسته‌ام همه چیز را دوست بدارم (آندره ژید، ۱۳۵۰: ۱۰۱).

جمله ژید این بیت سعدی را به ذهن متبادر می‌کند:

به جهان خرم از آنم که جهان خرم ازوست / عاشقم بر همه عالم که همه عالم ازوست
- آه، جوانی، انسان تنها یکبار مالک آنست و باقی عمر آن را به یاد می‌آورد (آندره ژید، ۱۳۵۰: ۲۳۸).

نزدیک به مضمون این بیت خیام:

آن مرغ طرب که نام او بود شباب / افسوس ندانم که کی آمد کی شد

()

- چه بهتر که اینک در میان گیاهان ساحل پاهای من بیاساند! آن به که همه سخنان ما از عشق باشد (آندره ژید، ۱۳۵۰: ۱۱۸).
نزدیک است به این بیت حافظ:

از صدای سخن عشق ندیدم خوشر / یادگاری که در این گنبد دوآر بماند

تأثیر شعر قدما و بازتاب شیوه آنان در کلام پروین و در اندیشه اخلاقی و اجتماعی او به طور محسوس جلوه یافته است. «شعر پروین از لحاظ فکر و معنا بسیار پخته و متین است، گویی اندیشه‌گری توانا حاصل تأمل و تفکرات خود را درباره انسان و جنبه‌های گوناگون زندگی و نکات اخلاقی و اجتماعی به قلم آورده است. بی‌گمان او در این باب از سرچشمه افکار پیشینیان نیز بهره‌مند شده است، اما نه آن‌که سخنش رنگ تقلید و تکرار پذیرفته باشد، بلکه در اندیشه و طرز بیان از اصالت برخوردار است» (یوسفی، ۱۳۷۴: ۴۱۴). در دیوانش قصایدیست که عطر و بوی قصاید ناصر خسرو را دارد. نیز ابیاتی که شیرینی و دلنشینی بیان سعدی و حافظ و خیام را در پند و اندرز و مکارم اخلاق و حقیقت انسان و دنیا به ذهن القا می‌کند. و رد پای بزرگان دیگر ادب فارسی در آن به خوبی مشهود است.

نمونه‌ای از این تأثیر:

اگر حکایت بهرام گور می‌پرسی / شکار گور شد ای دوست، عاقبت بهرام!

(همان: ۱۳۶)

همانند این بیت خیام است:

بهرام که گور می‌گرفتی همه عمر / دیدی که چگونه گور بهرام گرفت
خوشی نیافتی از روزگار سفله دمی / از آن خوشم که سپنجی ست جاودانی نیست

(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۴۲۴)

یادآور این بیت سعدی شیرازی:

خوش است عمر دریغا که جاودانی نیست
اگر آرزوی کعبه بود در دل

پس اعتماد بر این پنج روز فانی نیست
چه شکایت کنی از خار مغیلانش؟

(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۱۲۵)

یادآور این بیت حافظ:

در بیابان گر به شوق کعبه خواهی زد قدم
سرزنش‌ها گز کند خار مغیلان غم مخور

تأثیر قرآن

تأثیر کلام الهی در نوشته‌های ژید، به خصوص در مانده‌ها کاملاً محسوس است. اگرچه بسیاری نسبت بی‌دینی به ژید داده‌اند و حتی مانده‌های او را سرودی در لذت‌طلبی دانسته‌اند، این در حالیست که «نه تنها ژید را نمی‌توان بی‌دین دانست بلکه به وارونه بسیار علاقمند به انجیل است. البته روش تعقل و تفکر مذهبی او با روش متعصبان خشک مغایر و شاید با کسانی که به طرز او آشنایی ندارند سازش نداشته باشد» (آندره-ژید، ۱۳۸۳: ۷). ژید کتاب مانده‌های خود را با آیه‌ای از قرآن آغاز کرده و حتی در نامگذاری کتابش به سوره مائده نظر داشته است و توجه به مضامین قرآنی را در کلام او کاملاً ملموس است. دلم می‌خواست بیش‌تر پراکنده می‌شد. در پس همه درهای فروبسته تو خدا ایستاده است. همه شکل‌های خدا، دوست‌داشتنی است و همه چیز شکل خداست (آندره-ژید، ۱۳۵۰: ۱۳۷).

اشاره به کریمه «فأینما تولوا فثمّ وجه الله؛ به هر طرف که رو کنید»

آدمی برای خوشبختی زاده شده است، بی‌شک سراسر طبیعت چنین می‌آموزد... این که آدمی برای خوشبختی زاده شده است، بی‌شک سراسر طبیعت چنین می‌آموزد. کوشش بسوی خوش گذرانی که گیاه را می‌رویانند و کندو راز عسل پر می‌کند و دل آبی را از مهربانی آکنده می‌سازد... امواجی که کف سپید بر سرشان نشست و خنده آسمان آبی و تابندگی همه این‌ها... چندان نمی‌دانم که چه کسی می‌توانست مرا بر روی زمین پدید آورده باشد. به من گفته‌اند چنین کسی خداست؛ و اگر او نبود چه کسی می‌بود؟ (همان: ۲۶۰)

اشاره به آیات سوره الرحمن:

«وَالْأَرْضُ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ، فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالتَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ، وَالْحَشْبَ ذُو الْقَصْفِ وَالرَّيْحَانُ فَبِأَيِّ آلَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ...» (۱۳-۱۰).

پروین تربیت یافته خانواده‌ای است متدین و با فضیلت که میراث‌دار سرمایه‌های معنوی بزرگی چون عشق و ایمان و صداقت است. «شعر او شعر اوقات و احوال و اشخاص نیست، شعر تهذیب و تربیت و تعمیم اخلاق کریمی است» (چاووش اکبری، ۱۳۷۸: ۳۰). اخلاق کریمانه‌ای که خاستگاه اصلی آن قرآن و کلام اهل بیت علیه‌السلام است. بخش‌های قابل توجهی از دیوان پروین از حیث تأثیر مفاهیم قرآنی در محورهای مختلف قابل بررسی است.

درین درگاه هر سنگ و گل و گاه
خدا را سجده آرد، گاه و بی‌گناه

(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۵۶۲)

اشاره است به آیه ۴۴ سوره الإسرا «...وإن من شیء إلاّ یسیح بحمده...».

درزی شو و بدوز ز پرهیز، پوششی
کان جامه جامه‌ایست که خلقان نمی‌شود

(همان: ۱۰۱)

در آیه ۲۶ سوره اعراف تقوی بهترین لباس برای زینت انسان معرفی شده است «... ولباس التقوی ذلک خیر...».

زمانی که هنرمند دست به قلم می‌برد، درونیات و تفکرات خودآگاه و ناخودآگاه خود را بر صفحه کاغذ می‌نشانند. پروین و ژید روشنفکرانی که روح سرکش و ناآرامشان در برابر روزمرگی‌ها طغیان می‌کند و به نوشتن ذهنیات خود می‌پردازند؛ زیرا «روشنفکران آن دسته از مردم‌اند که زیستن راضی‌شان نمی‌کند بلکه می‌خواهند وجود خود را توجیه کرده باشند» (دوستدار، ۱۹۸۳: ۵). به این معنا ژید و پروین همواره در آرزوی افق‌های تازه زندگی بودند تا روحشان فروغی زنده را دریابد. آنان هنرمندانی هستند که در هنر برای خود رسالتی دارند و هدفمند به سراغ نوشتن رفته‌اند و از سر تفنن سخن نگفته‌اند، و بیش از آن که یک ادیب باشند، متفکری متعهد و مصلح هستند.

ژید:

- احساس سرشاری از زندگی، که دست‌یافتنی بود اما هنوز بدست نیامده بود گهگاه خودی می‌نمود و سپس وسوسه‌انگیزتر باز می‌گشت. فریاد برمی‌آوردم: آه کاش روزنی از روزگشوده گردد و در میان این شکنجه‌های انتقام‌آمیز دائمی بدرخشد. گویی همه وجود من نیاز فراوان داشت تا بار دیگر در تازگی غوطه ور گردد. چشم براه بلوغ دوباره‌ای بودم. آه دلم می‌خواست به چشمانم دید تازه‌ای ببخشم و آن‌ها را از آلودگی کتاب‌ها بشویم... (آندره-ژید، ۱۳۵۰: ۸۴).

پروین:

ای خوش از تن کوچ کردن، خانه در جان داشتن
همچو عیسی بی‌پر و بی‌بال، بر گردون شدن
کشتی صبر اندرین دریا در افکندن چو نوح
در هجوم ترک‌تازان و کمانداران عشق
روشنی دادن دل تاریک را با نور علم

روی مانند پری از خلق پنهان داشتن!
همچو ابراهیم در آتش گلستان داشتن!
دیده و دل فارغ از آشوب طوفان داشتن!
سینه‌ای آماده بهر تیرباران داشتن!
در دل شب، پرتو خورشید رخشان داشتن!

(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۲۱۲)

درونمایه‌های مشترک

- تجلی الهی

انسان فطرتاً خداجوست و شوری درونی او را به سوی این حقیقت می‌کشاند. این شوق در وجود هنرمند که نگاهش به هستی و آفرینش به گونه‌ای تهذیب یافته است، غلبانی دیگرگونه دارد. ژید در مانده‌ها خدا را به گونه‌ای احساس می‌کند که گویی حضور او را در تمام لحظه‌های زندگی‌اش دریافت و خوشبختی خود را در حضور همیشگی او می‌داند.

- ناتانائل تو خدا را داری و از این نکته بیخبری! خدا را داشتن یعنی او را دیدن: اما به او نمی‌نگرند. ای بلعام مگر در خم هیچ جاده‌ای تو خدا را ندیده‌ای که خرس در برابرش ایستاده است؟ چرا که خدا را دیگرگونه می‌پنداشتی. ناتانائل تنها خداست که نمی‌توان در انتظارش بود، ناتانائل در انتظار خدا بودن یعنی اینکه در نیافته باشی که خدا را پیش از این داشته‌ای. خدا را از خوشبختی جدا بدان و همه خوشبختی خود را در یک دم جای ده (آندره ژید، ۱۳۵۰: ۸۸-۸۷).

- برخی هستند که به لحظات خوشبختی چنان می‌نگرند که گویی عطا‌های خداوندیست و برخی دیگر هم چون بخششی از جانب چه کس دیگر؟... ناتانائل خدا را از خوشبختی خود جدا بدان. (همان: ۹۰).

و به نوعی عرفان شرقی می‌رسد که در همه جا و همه چیز خدا را حاضر می‌بیند و تمام کائنات را تجلی الهی می‌داند و از نظاره کردن به هستی او را درک و احساس می‌کند؛ چرا که خدا در سراسر آفرینش خود آمیخته است.

- من با سراسر آفرینش خود در آمیخته‌ام آن‌چنان که در آن پنهان و گم هستم و پی در پی خود را بازمی‌یابم تا آن‌جا که خودم را با آفریده خود اشتباه می‌کنم و به تردید می‌افتم که آیا بی‌مخلوق، واقعا می‌توانم وجود داشت؟ (همان: ۳۰۰).

از مفاهیم مهم شعری پروین نیز، بندگی حضرت حق و درک حضور اوست.

حلقه صدق و صفا بر در دین می‌زن
تا که در باز کنند بهر تو دربانش

(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۱۲۳)

اندر آن دل که خدا حاکم و سلطان شد
دیگر آن دل نشود جای کس دیگر

(همان: ۱۱۷)

و با نگرشی عرفانی تمام مظاهر نظام ارزشمند هستی را گل و خار باغ آفرینش و جلوه‌های آن را تجلی حضور خالق هستی می‌داند. فضای باغ تماشاگاه جمال حق است
همین خوش است که در بندگی‌اش یکرنگیم
برای سجده در این آستان، تمام سریم
تمام، ذره این بی‌زوال خورشیدیم

من و تو نیز در آن از پی تماشا می‌ایم
همین بس است که در خواجگی‌اش یکراییم
پی‌گذشتن ازین ره‌گذر، همه پاییم
تمام، قطره این بی‌کرانه دریاییم

(همان: ۸-۳۳۷)

- عشق

عشق حقیقی کیمیایی است زاینده پلیدی‌ها و نوشدارویی است شفابخش دردها. بر هر دل که بنشیند تمام هستی او را از آتش اشتیاق خود می‌سوزاند. از برجسته‌ترین جلوه‌های اندیشه ژید و پروین عشق است. زیباترین و دل‌نشین‌ترین ابیات و جملات درباره عشق و تجلیات آن را در کلام آنان می‌توان جست.

ژید

آندره ژید خدا را از راه عشق اثبات می‌کند و او را عاشقانه تمنا می‌کند. او فرزاندی را در عشق می‌داند.
 - ناتانائل... این نکته را دریاب که در هر لحظه روز می‌توانی خدا را در تمامت او مالک باشی. باید که تمنای تو از سر عشق، و تملک برای تو عاشقانه باشد. زیرا از تمنایی که کارگر نیفتد چه سودی؟ (آندره-ژید، ۱۳۵۰: ۸۷).
 - برخی هستند که وجود خدا را از راه احساس عشق انسان به او اثبات می‌کنند، برای همین است ناتانائل که من هر چه را دوست می‌دارم خدا نامیده‌ام و از همین رو خواسته‌ام همه چیز را دوست بدارم. (همان: ۱۰۱).
 - زندگی می‌تواند زیباتر از این باشد که مردمان بدان خرسندند. فرزاندی در عقل نیست در عشق است (همان: ۲۶۴).
 - اما من اینک دریافته‌ام که خدا، که نسبت به امور گذران پاینده است، در اشیاء جای ندارد بلکه در عشق جا دارد. و من اینک می‌توانم در هر آن، از ابدیت آرام حظ ببرم (همان: ۲۶۸).

پروین

عشق راستین، از مظاهر و جلوه‌های زیبای دیوان پروین است. عشقی که چون اکسیری سراپای وجود عاشق را فرامی‌گیرد و حجاب تیرگی‌ها را از دیده دل او کنار می‌زند و هر چه عظمت و جبروت است در برابر چشم او می‌گشاید. در نهایت در پای چنین عشقی است که از هستی خود می‌گذرد و این رهایی از خویشتن، کم‌ترین افسون عشق است.

من همی بینم جلال اندر جلال	تو چه می‌بینی، به جز وهم و خیال؟
من همی بینم بهشت اندر بهشت	تو چه می‌بینی به غیر از خاک و خشت
عشق حق در من شرار افروخته است	من چه می‌دانم که دستم سوخته است
تو همی اخلاص را خوانی جنون	چون توانی چاره کرد این درد، چون؟

(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۵۱۰)

به اعتقاد پروین «عاشق راستین باید خویش را در معشوق فانی ببیند؛ آن سان که از او هیچ نماند و اگر جفایی از معشوق به او رسید لب به شکوه و شکایت نگشاید» (احیایی، بی‌تا: ۱۲۶).

من به پای تو فکندم دل و جان	روزم از روز تو صد ره بترست
بر خود سوختم و دم نازدم	گر چه پیرایه پروانه پر است
کس ندانست که من می‌سوزم	سوختم، هیچ نگفتن هنر است

(همان: ۵۷۱)

(همان: ۵۷۱)

- ترک خودپرستی

تعالیم اخلاقی و تربیتی ژید و پروین پیش از هر چیز مبتنی بر اندیشه عرفانی است. عرفانی که تحت تأثیر تصاویر عرفانی شاعرانی چون سعدی و حافظ قرار دارد و اولین گام در سلوک حق را ترک خود می‌داند؛ چراکه خودبینی، حجابی است بر چهره حقیقت و مانعی است در راه خودشناسی و به تبع خداشناسی. ترک خود یعنی اثبات هستی و آغاز خوشبختی. «گویا رفعت انسانی، در پی بردن به مقام جلال نفس نهفته است و بس! وجود سرشار انسان در ماورای خود به مخزن وسیعی متصل است که به محض کشف آن از دریا دریا کرامت لبریز شده و موج می‌افشاند» (فیضی، ۱۳۸۳: ۳۸۱).
ژید

- روزی که توانستم بخود بباورم که بخوشبخت بودن نیازی ندارم، آری از آن روز که بر من یقین شد که برای خوشبخت بودن به چیزی نیاز ندارم خوشبختی در وجودم خانه گیرد. گویی پس از آن که ضربه کلنگی بر خودپرستی فرو آوردم بی‌درنگ از دل خویش چنان چشمه‌ای از شادی به فوران آوردم که می‌توانستم همه مردم دیگر را از آن سیراب کنم (آندره-ژید، ۱۳۵۰: ۲۶۷).
 - از خودگذشتگی سرانجام هرگونه اثبات وجود است. آن چه تو در خویش ترک می‌گویی هستی می‌پذیرد. آن که در پی اثبات وجود خویش است هستی خود را نفی می‌کند. آن که از خود بگذرد هستی خود را اثبات می‌کند (همان: ۲۷۲).

پروین

دیو آز و خودپرستی را بگیر و حبس کن تا شود چهر حقیقت، بی‌حجاب ای رنجبر

(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۲۴۶)

بساط اهرمن خودپرستی و سستی	گر از میان نرود، رفته‌ایم ما ز میان
(همان: ۵۲۹)	
زخودبینی سیه کردی دل بی‌غش، زخودبینی	ز نادانی درافتادی در این آتش، ز نادانی
(همان: ۱۸۸)	
بخود نظاره کنیم ار بچشم خودبینی	چگونه لاف توانیم زد که بینایییم؟
(همان: ۳۳۶)	
دزدنند خودپرستی و خودکامی	با این دو فـرـقه راه نپیمایند
(همان: ۱۰۵)	

- ارزش زندگی (فرصت‌ها)

دل بسته نشدن به زندگی مادی و در عین وارستگی به دنبال حقیقت بودن، و از لحظه‌های زندگی دنیا فارغ از گذشته و آینده، برای رسیدن به این حقیقت بهره بردن و توجه به مقصد متعالی که انسان پیش‌رو دارد، وجه مشترک است که از بررسی کلام ژید و پروین می‌توان دریافت.

ژید عقاید و افکار ژید هم‌چون صوفیان صافی ضمیر مشرق زمین، تعلقات مادی را به هیچ می‌گیرد و کوشش در رسیدن به حقیقت و ترک دلبستگی‌ها را هدف خود قرار می‌دهد. او «از زمره متفکرانیست که معتقد است آدمی نه آن‌چنان باید خود را در چار دیوار زندگی مادی محصور کند که آزادی را بر روح خویش ببندد و نه آن‌چنان از قید هستی خلاصی جوید که لذات را بر خود حرام شمارد. بلکه انسان واقعی کسی است که در همان حال که زندگی را گرم در آغوش می‌گیرد به بارگاه استغنا قدم گذارد و با توجه به سرنوشت مشئوم و محتومی که در کمین اوست به یکباره خود را اسیر قفس خودکامه نسازد» (آندره ژید، ۱۳۸۵: ۱۲).

- خوشبخت آن‌که بر روی زمین بچیزی دل نبندد و شوق جاویدی را در میان دگرگونی‌های ثابت جهان بگردش درآورد (آندره ژید، ۱۳۵۰: ۱۲۸).
- ناتانائل، هرگز در طلب آن مباح که آب‌های گذشته را دوباره بنوشی.
- ناتانائل، هرگز گذشته را در آینده جستجو مکن. از هر لحظه تنوع بی‌مانند آن را دریاب و شادی‌های خود را از پیش آماده مساز و یا بدان درجایی که برای آن آماده ساخته‌ای شادی دیگری ترا غافلگیر خواهد کرد.
- چگونه هنوز در نیافته‌ای که هر خوشبختی در برخورد با تست و در هر لحظه هم‌چون گدایی بر سر گذر خود را به تو می‌نمایند و وای بر تو اگر بگویی خوشبختی تو مرده است.
- آرزوی فردا لذتی است اما لذت فردا لذتی دیگر است و خوشبختانه هیچ چیز همانند پنداری نیست که ما از آن در سر داشته‌ایم؛ زیرا هر چیز جداگانه ارزشی دارد (همان: ۹۸).
- ما جز در «آن» زندگی چیزی نیستیم همه گذشته در آن می‌میرد پیش از آن که چیزی از آینده پدید آید. لحظه‌ها! تو می‌دانی میرتیل حضور لحظه‌ها دارای چه قدرتی است؛ زیرا هر دم زندگی ما ذاتاً جانشین ناپذیر است. کاری بکن که گاهی بتوانی وجود خود را بتمامی در یک لحظه جایگزین سازی (همان: ۱۳۶).
- و بدین‌گونه عادت کردم هر لحظه از زندگی خود را بمنزله مجموعه‌ای از یک شادی تنها، از زندگی جدا سازم، تا بتوانم ناگهان همه خصوصیات خوشبختی را در آن یکجا گردآورم (همان: ۱۰۵).

پروین

در جهان بینی پروین هم مانند پیشینیان خود جهان در گذارست و از بین رفتنی و خواستار ترک تعلق و دلبستگی به آن است. اما «در نگره هستی‌شناسانه و انسان‌شناسانه او، نکته شایان دقت این است که: هستی دارای مبدایی پویاست و انسان هم رو سوی مقصدی برین و متعالی دارد. پروین در بسیاری از سروده‌هایش، از سفر اسرارآمیز انسان سخن به میان آورده و لزوم توجه آدمیزاد به لوازم و مقتضای این موضوع را مکرر در مکرر خاطرنشان ساخته است» (فیضی، ۱۳۸۳: ۲۲۵).

خوش آن‌که ز حصن جهان، برون است	شاد آن‌که به چشم زمانه، خوار است
(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۴۴)	
هجووم فتنه‌های آسمانی	مرا آموخت علم زندگان
(همان: ۲۱۹)	

میان تو و نیستی جز دمی نیست بسیجی کن اکنون که خود در میانی

(همان: ۱۹۶)

زندگی جز نفسی نیست، غنیمت شمرش نیست آتید که همواره نفس برگردد

(همان: ۹۰)

ما بدین یک دم و یک لحظه خوشیم نیست یک گل، که دمی خرم نیست
قدر این یک دم و یک لحظه بدان تا تو اندیشه کنی، آن هم نیست

(همان: ۵۴۱)

- جوانی

این که جوانی گوهری ارزشمند است و تنها یکبار می‌توان در زندگی آن را تجربه کرد و برگشت به آن دوران امکان‌پذیر نیست، تعبیری است رایج؛ اما نکته مهم در زیبایی و تأثیرگذاری کلام هنرمندی است که «با بیان دل‌نواز و کلام جان‌بخش و منطقی انکارناپذیر خود چشم ما را به سوی پدیده‌هایی می‌گشاید که همه شاهکارهای جمال خدا هستند و بدبختانه ما به خاطر پای‌بندی‌های بی‌ثمر قادر نبوده‌ایم آن‌ها را بینیم و عظمت و شکوه آنان را احساس کنیم» (شهباز، ۱۳۹۲: ۳۶۲).

آندره ژید

- ای جوانی دل‌های ما! بی‌شک هرگز افتخاری با شما هم‌ارج نیست. ما که با لذت خواستار همه چیز بودیم بیهوده در خسته کردن هوس‌های خود می‌کوشیدیم. هر یک از اندیشه‌های ما شوقی بود و احساس کردن برای ما مزه گس‌گریبی داشت. جوانی تابناک خود را در انتظار آینده‌ای زیبا می‌فرسودیم و راهی که بدان می‌رفت هرگز بقدر کافی پایان‌ناپذیر نمی‌نمود (آندره ژید، ۱۳۵۰: ۱۳۲).

- آه! جوانی، انسان تنها یک‌بار مالک آنست و باقی عمر آنرا بیاد می‌آورد. لذت بر درم می‌کوفت و هوس در دلم بدو پاسخ می‌داد و من بزانو می‌ماندم بی‌آن که در بگشایم (همان: ۲۳۸).

- آه...! اگر مکن بود زمان به سرچشمه خود بازگردد و یا گذشته باز آید! ناتانائل دلم می‌خواست ترا با خود بسوی روزگار عاشقانه جوانی خویش می‌بردم، روزگاری که زندگی به شیرینی عسل در من روانه بود. آیا روح که طعم آن همه خوشبختی چشیده است هرگز تسلی خواهد یافت؟! اما آن کسی که من بودم، آن دیگری، آه! چگونه می‌توانم دوباره او باشم! (همان: ۲۴۳-۲۴۲).

پروین

به یغما رفت گیتی را جوانی کرا بود این سعادت جاودانی
در آن مکان که جوانی، دمی و عمر، شبی است بخیره میطلبی عمر جاودانی را

(اعتصامی، ۱۳۹۱: ۲۸۱)

مخسب آسوده‌ای برنا که اندر نوبت پیری به حسرت یادخواهی کرد ایام جوانی را

(همان:)

چو بفروختی، از که خواهی خرید؟ متاع جوانی بی‌آزار نیست

(همان: ۴۴۵)

جوانی نکو دار کاین مرغ زیبا نماند در این خانه استخوانی

(همان: ۶۹۳)

- مرگ

از نگاه شاعران و هنرمندان «مرگ حقیقت ناشناخته و کم‌شناخته‌ای نیست، بلکه موضوعی است که بعد از دو مقوله خدا و دین آشناترین مفهوم زندگی و حیات بشری است» (فیضی، ۱۳۸۳: ۳۲۷). ژید و پروین هر دو از مرگ بانگرشی عرفانی یاد می‌کنند انتظار نزدیک مرگ تلنگریست بر ارزش زندگی و دریافت فرصت‌ها، پایدانی است برای یک شروع نو و زندگی حقیقی که، دنیای دیگر است.

ژید

- ناتانائل... کوتاه‌ترین لحظه زندگی تواناتر از مرگ است و مرگ را نفی می‌کند. مرگ جز مجالی برای پیدایش زندگی‌های دیگر نیست تا همه چیز همواره نو گردد. تا هیچ صورتی از زندگی بیش از آن چه برای خودنمایی لازم است آن‌را در بند نگاه ندارد (آندره ژید، ۱۳۵۰: ۸۸).

- ناتانائل، با تو از لحظه‌ها سخن خواهم گفت. آیا دریافته‌ای که حضور آن‌ها دارای چه نیرویی است؟ هر اندیشه‌ای از مرگ نه چندان پایدار ارزشی کافی به کوچک‌ترین لحظه زندگی تو نداده است. آیا پی نبرده‌ای که هر لحظه این جلوه دوست داشتنی را نمی‌یافت اگر به اصطلاح از قعر بسیار تیره مرگ جدا نشده بود؟ من دیگر در پی انجام کاری بر نمی‌آمدم اگر به من گفته یا ثابت می‌شده همواره فرصت دادنش را دارم (همان: ۱۰۴).

- و تو ای اندیشه مدام نموده‌ا، اگر می‌دانستی که انتظار نزدیک مرگ چه ارزشی به یک لحظه می‌دهد (همان: ۱۱۰).

پروین

بگفت ای بیخبر، مرگ ار چه خوانی زندگانی را؟	یکی پرسید از سقراط که از مردن چه خواندستی
که گردون‌ها و گیتسی است ملک آن جهانسی	اگر زین خاکسدان پست روزی برپری بینی

۳. نتیجه گیری

پژوهنده ادبیات تطبیقی در حقیقت در باب مناسبات و روابط بین ادبیات ملل مختلف به بررسی می‌پردازد و مبادلات فکری و فرهنگی میان اقوام مختلف را مورد نظارت قرار می‌دهد. تشابهات و اقتباس‌های ادبی یکی از موضوعات حوزه ادبیات تطبیقی است. گاه بین دو یا چند اثر ادبی که هیچ ارتباط زمانی و مکانی با یکدیگر ندارند، شباهت‌ها و یکسانی‌هایی به چشم می‌خورد که عموماً در موضوعاتی است که ماهیت جهان شمول دارند. موضوعاتی چون: عشق، مرگ و زندگی، مضامین عرفانی و... که می‌توان علل آن را در ادبیات فلسفی و آیینی جست. این مقاله بررسی تشابهات در کلام ژید نویسنده فرانسوی و پروین شاعره ایرانی است و حاصل آن که؛ پیش و بیش از آن که آن دو سخنوری توانا باشند، معلم اخلاق هستند که نمونه‌های عالی اخلاق، زندگی و جامعه بشری را در جنبه‌های مختلف انسانی می‌جویند و انسان را یکی از موجودات اعجاب‌انگیز صحنه خلقت می‌دانند که باید عظمت خود را بشناسد و بازیابی خود را از ضرورت‌های همیشگی زندگی قرار دهد. برای رسیدن به چنین مهمی، باید تلاش کند فرصت‌های زندگی خویش را که او را به آغوش وصال حقیقی می‌رساند، از کف ندهد و از دریای پر تلاطم روزگار به سلامت عبور کند و خود را در باتلاق زیبایی‌های آن غرق نکند. اگرچه لذت بردن و بهره بردن صحیح از این نعمت‌ها را نیز نباید رها کند؛ چراکه دنیا با تمام زیبایی‌هایش برای او آفریده شده تا او را برای رسیدن به هدفش یاری رسانند.

منابع

- ۱) قرآن کریم
- ۲) احمدی، محمد مهدی (۱۳۸۸)، (گردآورنده)، **اختر چرخ ادب** (گزیده مقالات فارسی و عربی همایش نکوداشت پروین اعتصامی)، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی
- ۳) احیای، لاله (بی‌تا)، «عشق در آینه اشعار پروین اعتصامی و نازک‌الملائکه»، مجله سخن عشق، ویژه‌تعداد ادبی ایران و جهان، شماره ۳۴ و ۳۳
- ۴) اعتصامی، پروین (۱۳۹۱)، **دیوان پروین اعتصامی**، تهران: مؤسسه انجمن قلم ایران
- ۵) اکبری، منوچهر (۱۳۹۲)، (گردآورنده)، **پروین پژوهی** (کنگره نکوداشت یکصدمین سال تولد پروین اعتصامی)، تهران: خانه کتاب
- ۶) انوشیروانی، علیرضا (۱۳۸۹)، «**ضرورت ادبیات تطبیقی در ایران**»، نشریه ادبیات تطبیقی فرهنگستان زبان و ادب فارسی
- ۷) چاووش اکبری، رحیم (۱۳۷۸)، **زندگی و شعر پروین اعتصامی**، تهران: نشر ثالث
- ۸) حدیدی، جواد (۱۳۷۳)، **از سعدی تا آراگون**، تهران: نشر دانشگاهی
- ۹) خدابخش، سمیرا (۱۳۵۶)، «**تأثیر ادبیات ایران بر فرانسه**»، مجله دانشکده، سال سوم، شماره ۹
- ۱۰) دوستدار، آرامش (۱۹۸۲)، **امتناع تفکر در فرهنگ دینی**، پاریس: نشر خاوران
- ۱۱) روسی، وینیو (۱۳۷۳)، **آندره ژید**، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: انتشارات کهکشان
- ۱۲) زرین کوب، عبدالحسین (۱۳۶۹)، **نقد ادبی**، تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۱۳) ژید، آندره (۱۳۵۰)، **مآئده‌های زمینی**، ترجمه حسن هنرمندی، تهران: کتابفروشی زوآر
- ۱۴) (۱۸۶۵)، **پرومته سست زنجیر**، ترجمه غلامرضا سمیعی، تهران: انتشارات اساطیر
- ۱۵) (۱۳۸۳)، **رذل**، ترجمه علی پاک‌دل، تهران: انتشارات جامی
- ۱۶) شهباز، حسن (۱۳۹۲)، **سیری در بزرگ‌ترین کتاب‌های جهان**، تهران: مؤسسه انتشارات امیرکبیر
- ۱۷) طباطبایی اردکانی، سید محمود (۱۳۷۶)، **یادمان پروین** (به مناسبت پنجاهمین سالگرد درگذشت پروین اعتصامی)، تهران: انتشارات دانشگاه علامه طباطبایی
- ۱۸) فیضی، کریم (۱۳۸۳)، **راز پروین**، قم: انتشارات مطبوعات
- ۱۹) کفافی، محمد عبدالسلام (۱۳۸۲)، **ادبیات تطبیقی**، ترجمه سیدحسین حسینی، مشهد: آستان قدس رضوی
- ۲۰) موروا، آندره (بی‌تا)، «**آندره ژید**»، ترجمه محمد صفدری، مجله مهر، شماره ۷
- ۲۱) نجفی، ابوالحسن (۱۳۵۱)، **ادبیات تطبیقی چیست**، مشهد: ماهنامه آموزش و پرورش
- ۲۲) یوسفی، غلام حسین (۱۳۷۴)، **چشمه روشن**، تهران: انتشارات علمی

A comparative study of the common themes of Parvin Etesami and Andre Gide

Ferishte al-Sadat Hosseini

PhD student of Persian language and literature (lyric orientation), from Isfahan University, teacher at Imam Khomeini International University (RA) Qazvin

Corresponding author: golafshan85@yahoo.com

Received date: 1401/03/20, accepted date: 1401/07/18

Abstract

Comparative literature is a branch of literary criticism that studies literature and other cultural manifestations between linguistic and literary boundaries and examines the similarities and differences between them, and opens new intellectual horizons to nations beyond political and cultural boundaries. After the formation of the romanticism school in France and the expansion of the relationship between French poets and writers with Eastern literature, many common horizons emerged in the thought and speech of Iranian and French poets. Parveen and Andrezhid are among the great writers of Iran and France, and looking at the common themes in their speech, we get the general result that despite the distance between them, how much can there be the sameness in their thoughts, style of expression, theme and content of their works. Before and more than being able speakers, they are teachers of ethics who seek excellent examples of ethics, life and human society in different human aspects. Etsami, to examine the compatibility of words and thoughts of these two artists.

Keywords: Comparative literature, Andrehegid, Parvin Etsami, Divan Shear, Maedeha Zemi.